

چالش‌های ازدواج مجدد زنان با حضور فرزند: پژوهشی کیفی

رزگار محمدی^{۱*}، زهرا محمدی^۲

چکیده

ازدواج دوباره چالش بزرگی خواهد بود؛ زمانی که یکی از طرفین یا هر دو دارای فرزند باشند. در این صورت، عوامل مختلف فرهنگی، اقتصادی، سنت و عقاید و بسیاری عوامل دیگر چالش‌زا می‌شود و حتی وجود فرزند یکی از دلایل اصلی بر جلوگیری از آن خواهد بود. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه چالش‌های ازدواج مجدد با حضور فرزندان و مشخص کردن ساختار نهایی آن در مشارکت‌کنندگانی بود که تجربه این پدیده را داشتند. در این پژوهش، برای جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات درباره چالش‌های ازدواج مجدد با حضور فرزند از پژوهش کیفی پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. چهارده مشارکت‌کننده، که ازدواج مجدد را در زندگی زناشویی خود تجربه کرده بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با آن‌ها تا رسیدن داده‌ها به اشباع ادامه یافت. تحلیل داده‌ها به ۴ درون‌مایه اصلی (تم) و ۱۰ درون‌مایه فرعی (مقوله) منتهی شد. این درون‌مایه‌ها عبارت‌اند از: «ادراک مشکلات حضور فرزند» با درون‌مایه‌های فرعی: مشکلات رفتاری و سازگاری فرزندان، حضور فرزند به‌عنوان مانع، پذیرفتن یا نپذیرفتن ازدواج مجدد از جانب فرزند؛ حضور بعد اقتصادی و مالی با درون‌مایه‌های فرعی: اهمیت بعد اقتصادی و لزوم مدیریت مالی؛ حضور ابعاد اجتماعی و فرهنگی با درون‌مایه‌های فرعی: باورهای کارآمد و ناکارآمد اجتماعی و فرهنگی، دخالت اطرافیان، تسهیل‌گری یا بازداری اجتماعی و ملزومات ازدواج مجدد با درون‌مایه‌های فرعی: همبسته‌های تسهیل‌کننده و اهمیت رفتارهای مناسب و درک همسر. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ازدواج مجدد پدیده چندبعدی با ابعاد فردی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی با چالش‌های گوناگون است. یافته‌های این پژوهش ادبیات محدود گذشته در زمینه تجربه ازدواج مجدد با حضور فرزند را گسترش می‌دهد. همچنین ساختار چالش‌های استخراج‌شده این مطالعه در زمینه زوج‌درمانی و مشاوره پیش از ازدواج این شکل از ازدواج دارای تلویحات کاربردی فراوان برای پیشگیری از ناخشنودی زناشویی و افزایش موفقیت زناشویی و خانوادگی آن‌هاست.

کلیدواژگان

ازدواج مجدد، پدیدارشناسی، چالش‌های ازدواج مجدد، حضور فرزند.

۱. دکتری مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) rzgarmohammadi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی z.mohammadi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۸

مقدمه

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود. در واقع خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی در جامعه است و لازمه تشکیل خانواده ازدواج است؛ اما برخی مواقع عوامل مختلفی سبب گسست ازدواج اول می‌شود و پس از مدتی ازدواج دوباره رقم می‌خورد؛ اما ازدواج دوباره زمانی چالش بزرگی خواهد بود که یکی از طرفین یا هر دو دارای فرزند باشند. در این صورت، عوامل مختلف فرهنگی، اقتصادی، سنت، عقاید و وجود فرزند چالش‌زا خواهد شد. ازدواج مجدد^۱ یعنی اینکه زوج یا زوجه بر اثر عواملی همانند بیماری و فوت همسر، طلاق، فرار و غیره از همسر خود جدا شده و دوباره با فرد دیگری ازدواج یا اینکه با وجود همسر اول دوباره با دختر یا زن دیگر ازدواج کرده است [۴۶]. ازدواج مجدد با توجه به ساختار متفاوت با ازدواج‌های عادی چالش‌های گوناگونی دارد که حضور فرزندان وجود این چالش‌ها را پیچیده‌تر می‌کند. با توجه به جنسیت و فرهنگ ممکن است هریک از زوجین تجارب متفاوتی از چالش‌های ازدواج مجدد داشته باشند [۲۱]. آندرسون و گرین^۲ (۲۰۱۳) معتقدند که دوباره‌والدینی و ازدواج مجدد شامل چالش‌های اضافی برای خانواده‌ها و متخصصانی است که با آن‌ها درگیرند. دوباره‌والدینی و ازدواج مجدد همچنین پویایی‌های روابط خود زوجین را تغییر می‌دهد و می‌تواند نظم عادی امور را مختل بکند. ازدواج مجدد همانند طلاق فقط یک اتفاق نیست، بلکه فرایندی از وقایع است و طی یک حالت انتقالی ورود به این ازدواج‌ها صورت می‌گیرد [۲۱].

قرآن کریم ۱۰۹ مرتبه به احکام و توصیه‌هایی در باب ازدواج و ازدواج مجدد اشاره کرده است که توجه به آن می‌تواند بسیاری از معضلات جامعه مسلمانان را برطرف کند. آیه‌های ۲۳۶ تا ۲۴۱ سوره بقره به امنیت روانی و مالی زنان بیوه پرداخته است [۱۸، ص ۱۲۲]. ازدواج مجدد در جوامع غربی و در صدر اسلام به جهت عمومیتش حالت طبیعی داشته است. هم‌اکنون، در کشور مسلمان ایران، ازدواج مجدد برخلاف صدر اسلام از عمومیت برخوردار نیست و تلقی مردم از ازدواج مجدد همانند صدر اسلام نیست [۲]. پژوهش مطهری کسور (۱۳۹۴) بیانگر آن است که نسبت ازدواج‌های مجدد مردان مطلقه ایرانی به مردان مطلقه غربی ۶ درصد بیشتر است، اما نسبت ازدواج‌های مجدد زنان ایرانی نسبت به زنان غربی ۲۵ درصد کمتر است [۱۷]. نتایج پژوهشی داخلی نشان داد هر چه پذیرش اجتماعی مقوله ازدواج مجدد در کنش متقابل بین افراد بیشتر رواج یابد، زنان سرپرست خانوار پیوند اجتماعی بیشتری با اطرافیان خود داشته باشند و فشار اقتصادی را نیز تجربه کنند و فرزند کمتری داشته باشند، بیشتر به ازدواج مجدد

1. Remarriage
2. Anderson & Greene

گرایش دارند [۱۱]. نتایج یک پژوهش فراتحلیل^۱ به‌منظور مقایسهٔ کودکان در خانواده‌های دارای ازدواج مجدد با کودکانی که در خانواده‌های عادی یا تک‌والد هستند نشان داد کودکان در خانواده‌های دارای ازدواج مجدد موفقیت تحصیلی و سازگاری روان‌شناختی کمتری نسبت به کودکان خانواده‌های عادی و تک‌والد و طلاق داشتند. نتایج این مطالعه نشان داد ازدواج مجدد چالش‌هایی فراوانی برای زوجها و کودکانشان به همراه می‌آورد [۳۵].

مرور ادبیات گذشته تاکنون نشان داده است که مطالعات داخلی با روش کمی به بررسی علل تمایل یا عدم تمایل به ازدواج مجدد در زنان بیوه یا مطلقه پرداخته‌اند که بیانگر عوامل فرهنگی و اجتماعی (مانند پذیرش اجتماعی)، عوامل اقتصادی (مانند تأمین نیازها) و روانی (تأمین نیازهای روانی) از علل عمدهٔ گرایش به ازدواج مجدد و عوامل عدم تمایل به ازدواج مجدد کلیشه‌های قالبی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و جنسیتی به زنان در ازدواج مجدد یا پیدا کردن جایگزین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و روانی است [۷؛ ۱۰؛ ۱۱؛ ۱۴؛ ۱۶؛ ۱۷]. بعضی از پژوهش‌های داخلی نیز به بررسی تأثیر ازدواج مجدد بر روی کودکان پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها نشان داده شده است که سلامت روانی و کیفیت زندگی و بهزیستی ذهنی کودکان در ازدواج‌های مجدد پایین‌تر از کودکان در خانواده‌های عادی و حتی تک‌والد است [۱؛ ۳؛ ۶].

تحقیقات خارجی به بررسی چالش‌های ازدواج مجدد پرداخته‌اند که به چالش‌هایی همانند تهدید روابط زوجی با تعارض‌های کودکان، مدیریت تعارض‌ها، پذیرش و فرایند انتقال به درون خانوادهٔ جدید اشاره شده است [۲۱؛ ۳۴؛ ۴۱؛ ۴۴؛ ۴۵]. بعضی دیگر از تحقیقات خارجی به متغیرهای جمعیت‌شناسی کودکان همانند سن، جنس و خلق‌وخوی کودک در فرایند پذیرش ازدواج مجدد اشاره کرده‌اند [۳۰؛ ۳۳].

مطالعهٔ کیفی بررسی ادراک و تجربهٔ زیسته زوجین از ازدواج مجدد [۲۷؛ ۳۹] نشان داده است که بافت اجتماعی و مذهبی و فرهنگی گسترده‌تر بر تجربهٔ زوجین از ازدواج مجدد تأثیر دارد. این پژوهش‌ها به مضامینی همچون فرایند طلاق گذشته و اهمیت و حل آن، غنای روابط در خانوادهٔ جدید، اقتدار والدینی و پذیرش فرزندان و... اشاره کرده‌اند. مطالعات بررسی ادراک کودکان از ازدواج مجدد والدین خود [۲۲؛ ۳۰] نشان می‌دهد کودکان در این خانواده‌ها به مقایسهٔ والد جدید خود با والد خونی و بیولوژیکی می‌پردازند. این پژوهش‌ها به درون‌مایه‌هایی همانند پذیرش، طرد و... اشاره کرده‌اند. مطالعات کیفی بررسی مشکلات خانواده‌های دارای ازدواج مجدد [۲۸؛ ۴۰] به تعارض‌های این خانواده‌ها پرداخته‌اند که به مضامینی همانند تعارض‌های ریشه‌ای از خانواده مبدأ، تعارض مرزها، کمبود قدرت مشروع و روابط مثبت و ابهام نقش‌ها اشاره کرده‌اند.

در زمینهٔ شکاف تحقیقات گذشته، جست‌وجوی محقق در مطالعات داخلی نشان داد همهٔ

مطالعات داخلی در مورد ازدواج مجدد، به جز مطالعه دلیل گو و همکاران (۱۳۹۵)، که در زمینه عدم تمایل و رغبت به ازدواج مجدد انجام شده است [۹]، به شکل کمی بوده است و تاکنون تحقیقی مستقل به بررسی تجربه زیسته زوجین از ازدواج مجدد و چالش‌های فرزندان در آن نپرداخته است. همچنین مطالعات گذشته در مورد ازدواج مجدد به اهمیت چالش‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و فرزندان پرداخته‌اند، اما ماهیت و چگونگی این چالش‌ها را مشخص نکرده‌اند که پژوهش کیفی با توجه به بررسی تجربه و معنای زوجین این هدف را در دسترس قرار می‌گیرد. همچنین ملاحظات فرهنگی در بررسی تجربه ازدواج مجدد [۲۷؛ ۳۹] باید در نظر گرفته شود و تحقیقات آینده بر چالش‌های ازدواج مجدد در فرهنگ‌های جمعی تأکید کنند [۲۸]. مطالعات در مورد فداکاری در فرهنگ‌های جمع‌گرا (آسیای شرقی، افریقا، ایران) به اهمیت زیاد ازدواج مجدد همسران در بافت فرهنگی و اجتماعی پرداخته‌اند، اما پژوهش در فرهنگ‌های غربی بیشتر ادراک فردی زوجین یا کودکانشان را از ازدواج مجدد مهم دانسته‌اند [۳۹]. این مطالعه را همچنین می‌توان طلیعه‌ای دانست برای تحقیقات بیشتر محققانی که قصد بررسی ساختارهای ازدواج‌هایی غیر از ازدواج‌های عادی و استفاده از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی^۱ را دارند. هسته این مطالعه کشف این مسائل است که چالش‌های پیش روی ازدواج‌های مجدد با حضور فرزندان چیست؟ و اینکه زوجین چگونه این چالش‌ها را تجربه کرده‌اند و آن را چگونه توصیف می‌کنند؟ از دیدگاه روش‌شناسان کیفی [۲۶؛ ۳۸] عصاره پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته افراد از پدیده‌هاست. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که تجربه زیسته زنان از چالش‌های پدیده ازدواج مجدد با حضور فرزند چیست؟ برای رسیدن به پاسخی برای این پرسش، پژوهش‌گر روش پدیدارشناسی را برگزیده است؛ به این دلیل که از میان روش‌های کیفی برای بررسی عمیق تجربه زیسته فداکاری مناسب‌ترین روش تحقیق پدیدارشناسی است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. تحقیق پدیدارشناسی پاسخ این سؤال را جست‌وجو می‌کند: «ساختار و ماهیت تجربه یک پدیده از سوی مردم چیست؟» [۴۳]. مسئله اصلی در کاربرد پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده موردنظر به روشن‌سازی نیاز دارد یا خیر؟ پدیده ازدواج مجدد با تمام اهمیتی که دارد هنوز در پژوهش‌های گذشته از دیدگاه تجربه‌کنندگان آن به اندازه کافی روشن نشده است. از این‌رو، در این پژوهش از روش یادشده استفاده شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر نمونه ایرانی بوده‌اند که محل جغرافیایی زندگی آن‌ها شهر تهران در طول سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بود. شرکت‌کنندگان در این

مطالعه با به‌کارگیری مفهوم نمونه‌گیری هدفمند^۱ انتخاب شدند. معیارهای انتخاب نمونه هدفمند در مطالعه اخیر عبارت بودند از: مشارکت‌کنندگان پژوهش تجربه ازدواج مجدد و دارای فرزند از ازدواج اول باشند، به شرکت در پژوهش و در اختیار گذاشتن تجارب خویش متمایل باشند، دارای سوادشناختی لازم برای در اختیار گذاشتن تجارب خویش باشند، دارای حداقل دو سال زندگی زناشویی در ازدواج مجدد باشند که با چالش‌های آن روبه‌رو شده باشند و حداقل دارای یک فرزند از ازدواج اول خود باشند.

در پژوهش حاضر نیز، معیار اشباع^۲ داده‌ها برای تعیین حجم نمونه در نظر گرفته شد. به این معنا که مصاحبه با نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع ادامه یافت. این تعداد در پژوهش حاضر ۱۴ نفر بود. استراتژی جمع‌آوری داده‌ها استفاده از مصاحبه عمیق^۳ و سؤال‌های باز پاسخ همراه با سؤال‌های پیگیرانه برای تشویق مشارکت‌کنندگان برای در اختیار گذاشتن تجارب عمیق بود. مدت مصاحبه در این پژوهش بین ۶۰-۹۰ دقیقه متغیر بود. زمان و مکان مصاحبه‌ها را خود شرکت‌کنندگان به‌دلخواه تعیین کردند. سؤالات مصاحبه باز پاسخی (تکمیلی) بودند که با یک سؤال کلی و تکمیل‌کردنی به این مضمون ازدواج مجدد...؟ شروع می‌شد. در ادامه، برای کشف عمیق پدیده از سؤالات پیگیرانه مانند «می‌توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟» استفاده شد. مسائل اخلاقی رعایت‌شده در این پژوهش شامل: کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط محتوای مصاحبه، اطمینان به محرمانه باقی ماندن اطلاعات و استفاده از اسم مستعار برای آن‌ها و همچنین اعطای حق انصراف از پژوهش در همه مراحل تحقیق به مشارکت‌کنندگان بود.

از آنجا که هدف مطالعه حاضر توصیف چالش‌های ازدواج مجدد بود، از روش تحلیل داده‌های پدیدارشناسی توصیفی کلایزی^۴ (۱۹۷۸) استفاده شد [۲۵]. این روش تحلیل از هفت مرحله تشکیل شده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر ابتدا متن رونویسی شده هر مصاحبه چندین بار خوانده شد تا مفهومی از کل متن فهمیده شود. در مرحله دوم، عبارات و جملات مهم مرتبط با تجربه افراد از پدیده موردنظر، یعنی چالش‌های ازدواج مجدد، از متون رونویسی شده استخراج شد. در مرحله سوم، فرموله کردن معانی انجام شد که طی آن مفهوم عبارات مهم توضیح داده شد. در مرحله چهارم، همه معانی فرموله‌شده در مقوله‌هایی که ساختار منحصربه‌فردی از خوشه‌های مضمون هستند گروه‌بندی شدند. در مرحله پنجم، خوشه‌های مضمون باهم ادغام شدند تا سازه‌های مضمون مجزا را تشکیل بدهند. با ادغام همه مضمون‌های این مطالعه در همدیگر، ساختار کلی پدیده موردنظر استخراج شد. پژوهش‌گران مطالعه حاضر از کمک یکی از متخصصان

-
1. purposive sampling
 2. saturation
 3. in-depth interweave
 4. Colaizzi

در زمینه کیفی برای بررسی تمامیت یافته‌ها جهت ارائه و تأیید توصیف جامع تجربیات مشارکت‌کنندگان از پدیده مورد مطالعه بهره بردند. در مرحله ششم، تقلیل یافته‌ها انجام شد که به واسطه آن توصیفات زائد، نامناسب و اغراق‌آمیز از کل بخش زدوده شد. اصلاحاتی نیز انجام شد که رابطه بین خوشه‌های مضمون و مضمون‌های استخراج‌شده از آن‌ها را روشن کند و شامل حذف بعضی از ساختارهای مبهم و دوپهلو می‌شد که توصیف جامع را تضعیف می‌کردند. در نهایت، اعتباریابی نتایج انجام شد و یافته‌ها به اطلاع مشارکت‌کنندگان رسانده شد و آن‌ها صحت نتایج و مطابقتش با تجربیات خود را تأیید می‌کردند.

جهت اعتمادپذیری^۱ داده‌ها از چهار معیار جداگانه گوبولینکلن^۲ [۲۶، ص ۷۸] استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار^۳ داده‌ها پس از تحلیل هر مصاحبه به مشارکت‌کننده بازگشت داده شد تا صحت و سقم نتایج تأیید و تغییرات لازم اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق^۴ داده‌ها محقق یک فرایند فعال در پرانتزگذاری^۵ را اعمال کرد تا از ورود پیش‌فرض‌های محقق جلوگیری شود. برای تضمین قابلیت اطمینان^۶ متن مصاحبه جهت کدگذاری به همکاران پژوهش‌گر داده شد و ضریب توافق بالای ۸۵ درصد در این زمینه به دست آمد. در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان پژوهش

مشارکت‌کننده	سن (سال)	تحصیلات	شغل	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزند
مینا	۳۳	لیسانس	معلم	۲	۱
بهاره	۳۲	لیسانس	پرستار	۱	۲
فاطمه	۳۴	فوق دیپلم	خانه‌دار	۲	۲
ژیلا	۳۵	لیسانس	کارمند	۱	۱
زهرا	۲۹	فوق دیپلم	منشی	۳	۱
سارا	۳۳	لیسانس	آرایشگر آتیه	۴	۲
مریم	۳۱	فوق لیسانس	معلم	۳	۱
نرمین	۳۴	لیسانس	معلم	۲	۲
شهبلا	۳۵	دیپلم	خانه‌دار	۵	۳
شراره	۳۰	فوق لیسانس	مدیر مدرسه	۳	۱
شیوا	۳۵	دیپلم	خانه‌دار	۲	۲
شیدا	۳۷	فوق دیپلم	فروشنده	۴	۱
شهین	۳۳	فوق لیسانس	مربی ورزش	۶	۲
شهناز	۳۶	دیپلم	خانه‌دار	۴	۱

1. Guba & Lincoln
2. truthworthines
3. credibility
4. confirmability
5. Bracketing
6. dependability

یافته‌ها

تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان به شناسایی ۲۵۰ کد اولیه، ۱۵ مضمون فرعی و ۵ مضمون یا درون‌مایه اصلی منجر شد که در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی آشکارشده از تحلیل داده‌ها

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
ادراک مشکلات حضور فرزند در ازدواج مجدد	مشکلات رفتاری و ناسازگاری فرزندان، حضور فرزند به‌عنوان مانع، پذیرش یا عدم پذیرش ازدواج مجدد از سمت فرزند
ادراک حضور بعد اقتصادی و مالی	اهمیت بعد اقتصادی، لزوم مدیریت مالی و اقتصادی
ادراک حضور بعد اجتماعی و فرهنگی	باورهای کارآمد و ناکارآمد اجتماعی و فرهنگی، دخالت‌های اطرافیان، تسهیل‌گری یا بازداری اجتماعی و فرهنگی
ملزومات ازدواج مجدد	همبسته‌های تسهیل‌کننده ازدواج مجدد، اهمیت رفتارهای مناسب و درک همسر

۱. ادراک مشکلات حضور فرزند

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به عواملی اشاره می‌کردند که مرتبط با مشکلاتی است که با حضور فرزندان در ازدواج مجدد ادراک کرده‌اند. از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر برمی‌آید که کودکان آن‌ها بعد از ازدواج مجدد مشکلات رفتاری و ناسازگاری‌هایی از خود در واکنش به ازدواج مجدد نشان داده‌اند که آن را به یکی از چالش‌های اصلی زوجین در این‌گونه ازدواج‌ها تبدیل کرده است. اغلب مشکلاتی که به آن‌ها اشاره می‌کردند عبارت بودند از: لجبازی، پرخاشگری و رفتار تهاجمی، افت تحصیلی، ناسازگاری در مدرسه و خانه و انزوا و گوشه‌گیری؛ مثلاً به صحبت یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه استناد می‌کنیم:

ازدواج مجدد شاید برای زوجین خوب باشه، ولی برای بچه‌ها مسائل زیادی به همراه داره. فرزندم بعد از ازدواج تو مدرسه حالت تهاجمی پیدا کرده. مدام لجبازی می‌کنه. تا الان امسال چندین بار به مدرسه احضار ولی شدید (شیدا، فوق‌دیپلم، ۳۷ ساله، فروشنده).

همچنین مشارکت‌کننده دیگری به تفاوت‌های رفتاری اشاره می‌کند که فرزندش بعد از ازدواج مجدد از خود نشان می‌دهد:

فرزندم ناسازگاری می‌کنه و کتک‌کاری می‌کنه. فکر می‌کنم وجود پسر قوام زندگی ما رو مورد مخاطره قرار داده، چون با حالت تهاجمی با همسر رفتار می‌کنم، فرزندم لجباز شد و مشکل‌ساز شد. هم در مدرسه و هم در خونه. با ازدواجم خشونت در برخورد و رفتار فرزندم به‌وضوح مشخص بود (شهناز، ۳۶ ساله، دیپلم، خانه‌دار).

مشکل دیگری که مصاحبه‌شونده‌ها به آن اشاره می‌کردند عبارت بود از افت تحصیلی فرزندان. مشارکت‌کنندگان اشاره می‌کنند فرزندان‌شان بعد از ازدواج مجدد دچار افت تحصیلی و مشکلات ناسازگاری در مدرسه شده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان این‌گونه گفته است:

ازدواج مجدد روی رفتار فرزندم و آینده تحصیلی اون تأثیر بدی گذاشت. تا قبل از ازدواج شاگرد اول مدرسه بود، اما الان نمرات درسش خیلی افت پیدا کرده. درس نمی‌خونه. معلم‌هاش می‌گفتن سر کلاس گوش نمی‌ده (شیوا، ۳۵ ساله، دیپلم، خانه‌دار).

بعضی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به حضور فرزند به‌عنوان یک مانع در ازدواج مجدد اشاره می‌کردند. آن‌ها جزء مشارکت‌کنندگانی بوده‌اند که کودکان‌شان بعد از ازدواج مجدد دچار مشکلات رفتاری و ناسازگاری شده‌اند و ازدواج مجدد آن‌ها را پذیرش نکرده‌اند. ابعادی که مشارکت‌کنندگان در این زیرمضمون اشاره کرده‌اند شامل حضور فرزندان غیرمشترک، فرزند خود نبودن، فرزند غیر هم‌جنس و مشکلات مالی است؛ مثلاً، در مورد ذیل این مشکل را می‌بینیم:

حقیقتش وجود فرزندان غیرمشترک ازدواج‌موم رو سخت‌تر کرده. علاوه بر اینکه من خودم باید با همسر کنار بیام، بچه‌ها هم باید باهم کنار بیان و این مشکل دودستگی متفرقه ایجاد می‌کنه. هرکسی هم ممکنه از بچه خودش دفاع کنه. برای بچه‌ها هم سخته بچه‌های دیگه رو به‌عنوان برادر و خواهر جدید خودشون پذیرش بکنن (زهرا، ۲۹ ساله، فوق‌دیپلم، منشی).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این مورد می‌گوید:

دخترش با من احساس رقابت می‌کنه. همه‌ش می‌گفت تو مامان من نیستی و نگو به من دخترم. همه‌ش می‌خواست خودش پیش پدرش باشه و حسادت می‌کرد... (ژیلا، ۳۵ ساله، لیسانس، کارمند).

درون‌مایه فرعی دیگری که براساس صحبت‌های مشارکت‌کنندگان برای مضمون یا درون‌مایه اصلی ادراک مشکلات فرزندان در نظر گرفته شده پذیرش یا عدم پذیرش ازدواج مجدد از سمت فرزندان است. افراد حاضر در این تحقیق به ابعاد مختلفی همچون: پذیرش، عدم پذیرش فرزند خود، عدم پذیرش فرزند طرف مقابل، فرزند هم‌جنس از طرف مقابل اشاره کرده‌اند که نشان می‌دهد پذیرش ازدواج مجدد از سمت فرزندان ملاکی مهم برای احساس رضایت زوجین در ازدواج‌های مجدد است. مشارکت‌کنندگانی که اشاره کرده‌اند فرزندان آن‌ها ازدواج مجددشان را پذیرش نکرده‌اند دچار چالش‌های زیادی در ازدواج مجدد شده‌اند؛ همان‌گونه که در زیرمضمون قبلی نیز اشاره شده‌اند. این بچه‌ها مشکلات خود را در قالب مشکلات رفتاری همچون ناسازگاری و لجبازی و مشکلات تحصیلی نشان می‌دهند؛ مثلاً مشارکت‌کننده‌ای در این مورد می‌گوید:

یکی از مشکلات اصلی ت اینه که آیا فرزندت طرف مقابلت رو به‌عنوان والد خودش قبول داره، اصلاً ازدواج مجدد تو رو قبول خواهد کرد، مخصوصاً بچه‌ پسر برایش خیلی سخت بود که کسی دیگه رو بپذیره و حاضر بشه من رو با کسی شریک کنه [اسارا، ۳۳ ساله، لیسانس، آرایشگر].

مشارکت‌کننده دیگر در مورد عدم پذیرش فرزند خود می‌گوید:

بسیار ناراحتم، چون ازدواج به جای تأمین آینده‌ اون‌ها باعث شد اون‌ها دیگه علاقه‌ای به زندگی با من نشون ندن. من فکر می‌کنم وجود پسر قوام زندگی ما رو مورد مخاطره قرار داده، چون با حالت تهاجمی با همسر رفتار می‌کنه [مریم، ۳۱ ساله، فوق‌لیسانس، معلم].

در مجموع، پذیرش فرزندان عاملی مهم برای خشنودی احساس خوشبختی در ازدواج مجدد برای مشارکت‌کنندگان است. عدم پذیرش ازدواج مجدد از سمت فرزندان به‌منزله یکی از ابعاد مهم ادراک مشکلات فرزندان در ازدواج مجدد است و برای زوجین تجربه چالش بزرگی در ازدواج مجددشان بوده است.

۲. ادراک حضور بعد اقتصادی و مالی

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به عواملی اشاره می‌کردند که مرتبط به بعد مالی و اقتصادی است که آن را به‌منزله چالشی اصلی در ازدواج مجدد ادراک کرده‌اند. آن‌ها همگی متفق‌القول به اهمیت بعد اقتصادی در ازدواج‌های مجدد اشاره کرده‌اند. از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر برمی‌آید حضور کودکان از یک‌طرف یا از هر دو طرف از همان روزهای اول زندگی اهمیت بعد اقتصادی را پررنگ‌تر می‌کند. اغلب ابعادی که به آن‌ها در این مورد اشاره شد عبارت بودند از: ازدواج مجدد به دلیل مشکلات مالی، رفع مشکلات در صورت عدم مشکلات مالی و بار اضافی مالی با وجود فرزندان. برای نمونه به صحبت یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه استناد می‌کنیم:

به‌تنهایی از پس هزینه‌های زندگی بر نمی‌اومدم. بالاخره نمی‌شه اهمیت مسائل مالی رو انکار کرد. فشار اقتصادی یکی از عوامل ازدواج مجدد من بود [زهرا، ۲۹ ساله، فوق‌دیپلم، منشی].

برای مثال یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان این‌گونه گفته است:

تو خرج و مخارج خونه مونده بودم. به خاطر شرایط مالی خوبی که داشت از داشتن این مشکل که بچه داره چشم‌پوشی کردم. در این صورت نیازهای بچه‌ها راحت‌تر برآورده می‌شن [شیوا، ۳۵ ساله، دیپلم، خانه‌دار].

جنبه دیگری که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کرده بودند بار اضافی با وجود فرزندان

است که در مضمون قبلی مشکلات فرزندان نیز حضور داشت. به این صورت که داشتن فرزندان اهمیت بعد مالی را بیشتر می‌کند. نمونه‌ای از صحبت یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه به این شکل بود:

بچه‌ها هرکدوم چند نوع کلاس می‌آن. اون‌ها هم حق دارن. دوست‌هاشون هم همین جوری هستن. نمی‌شه تو خونه حبسشون کرد. نیاز به تفریح دارن. این بار مالی اضافی هست که بر دوش ما گذاشته شده [فاطمه، ۳۴ ساله، فوق‌دیپلم، خانه‌دار].

به دلیل اهمیت بعد اقتصادی برای مشارکت‌کنندگان، بحث مدیریت مالی از سوی مشارکت‌کنندگان مطرح شده است که به‌منزله یکی از مهارت‌های لازم در این ازدواج‌ها برای زوجین توصیف شده است. مشارکت‌کنندگان اشاره کرده‌اند بدون مدیریت مالی و حساب دخل و خرج‌ها مشکلات اقتصادی پررنگ می‌شود و همچنین به دلیل وجود فرزندان و هزینه‌های متفاوت آن‌ها لازم است به صرفه‌جویی اقتصادی بپردازند. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

هزینه زندگی زیاده، بخشی برای فرزندانم باید کنار گذاشته بشه. بخشی دیگر هزینه مخارج خونه می‌شه و... من هم باید همیشه هزینه‌ها رو با درآمدمون تطبیق بدم. گاهی از یک بخش می‌زنم تا برای بخش‌های دیگه کم نیاریم [زهرا، ۲۹ ساله، فوق‌دیپلم، منشی‌ا].

زوجین مشارکت‌کننده با استراتژی‌هایی برای مدیریت مالی به صرفه‌جویی پرداخته‌اند. این استراتژی‌ها برای زوجین شامل صبر و گذشت برای حل مشکل و به کار بستن تدبیر اقتصادی بوده است. برای نمونه مشارکت‌کننده‌ای اشاره می‌کند:

طبیعیه که مشکل مالی هست، ولی با گذشت از خیلی مسائل و ساده‌گرفتن در دخل و خرج‌ها کمک بزرگی به رفع این مشکل می‌شه. نیازه که هر دو نفر در این مورد به تدبیر بپردازن [فاطمه، ۳۴ ساله، فوق‌دیپلم، خانه‌دار].

در مجموع، وجود مدیریت مالی به‌صورت صرفه‌جویی اقتصادی یکی از نیازهای اساسی ازدواج‌های مجدد است که به دلیل اهمیت بعد اقتصادی و مخارج زیاد در این ازدواج‌ها صورت می‌گیرد. زوجین مشارکت‌کننده با استراتژی‌هایی همانند صبر و گذشت و تدبیر به رفع این مشکلات پرداخته‌اند. بنابراین مدیریت مالی برای زوجین تجربه چالش بزرگی در ازدواج مجددشان بوده است.

۳. ادراک حضور بعد اجتماعی و فرهنگی

تقریباً می‌توان گفت که همه مشارکت‌کنندگان این پژوهش، اعم از زنان و مردان، به عواملی اشاره می‌کردند که بیانگر تأثیر ابعاد اجتماعی و فرهنگی در ازدواج مجدد آن‌هاست که شامل عواملی همچون باورهای کارآمد و ناکارآمد اجتماعی (عقاید خرافی)، دخالت‌های اطرافیان و تسهیل‌گری اجتماعی است.

اغلب مردان و زنان مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر به ابعادی همچون عقاید خرافی در مورد ازدواج مجدد اشاره کرده‌اند. عقاید خرافی همانند نامادری یا ناپدیری بودن، از خون خود نبودن فرزند (فرزندخواندگی) طرف مقابل نوعی عقاید اجتماعی و فرهنگی بازدارنده و سدکننده رشد و ترقی ازدواج مجدد است، اما عقاید کارآمد اجتماعی مانند ارزش تأهل در هر صورت و یتیم‌نوازی برای رضای خداوند به‌نوعی تسهیل‌کننده و رشددهنده ازدواج مجدد بوده است. مصاحبه‌ها با مشارکت‌کنندگان نشان داد زوجینی که به این باورهای خرافی عقیده نداشتند بهتر توانسته‌اند با چالش‌های ازدواج مجدد کنار بیایند؛ اما زوجینی که درگیر این عقاید خرافی بوده‌اند در این چالش‌ها باقی مانده‌اند؛ مثلاً یکی از مشارکت‌کنندگان در این مورد می‌گوید:

این ضرب‌المثل معروفه که از گوشت و پوست خودت نیست، فرزند خود آدم آگه گوشت آدم رو بخوره، اما استخون‌هاش و دور نمی‌ندازه... من فکر می‌کنم این در ذهن زوجین و بچه‌هایی که در ازدواج مجدد به سر می‌برن خیلی تأثیر گذاشته که فرزندان والد جدید رو به‌عنوان والد اصلی خودشون نبینن و بالعکس والدین هم فرزندان جدید رو به‌عنوان فرزند خونی خود ندونن [شراره، ۳۰ ساله، فوق‌دیپلم، مدیر مدرسه].

مشارکت‌کننده دیگری هم‌گام با این مشارکت‌کننده به تعریف نامادری می‌پردازد:

هرجا می‌ریم می‌شنوم که می‌گن نامادریشه. همه دلشون به حال بچه می‌سوزه. می‌گن دست نامادری بالای سرشه. این هم روی بچه تأثیر منفی می‌ذاره که من رو به‌عنوان مادر خودش قبول کنه. آخه آگه مادرش دوش داشت که ره‌اش نمی‌کرد. من یعنی با این همه دلسوزی باید بهم بگن نامادری و اون هم بهش بگن مادر فقط به خاطر اینکه من به دنیاش نیاوردم [امینا، ۳۳ ساله، لیسانس، معلم].

در برابر این عقاید ناکارآمد و خرافی، عقاید کارآمدی نیز در توصیف زبانی مشارکت‌کنندگان برداشت شده است که این عقاید برای ازدواج مجدد با حضور فرزندان کارآمد است و موجب رشد زندگی مجدد می‌شود؛ برای نمونه بعضی از زوجین به اهمیت مهر و محبت به فرزند طرف مقابل به‌عنوان فرزند خود برای رضای خداوند اشاره کرده‌اند که نوعی یتیم‌نوازی برای آن‌ها محسوب می‌شود که در دیدگاه مذهبی و فرهنگی آن‌ها ریشه دارد؛ مثلاً مشارکت‌کننده دیگری در این مورد می‌گوید:

من اگر برای این بچه یتیم مادری کنم، خداوند سر پل صراط دستم رو می‌گیره و اگر باهاش نامهربونی بکنم، اون وقت عذابش رو می‌دم. احادیث بسیاری در مورد یتیم شنیدم. سعی کردم از مادر براش بهتر باشم. اجرش هم از خدا خواستم. دیگه حرف دیگران برام مهم نیست [بهاره، ۳۲ ساله، لیسانس، پرستار].

یکی دیگر از باورهای کارآمد اجتماعی که زوجین در مصاحبه‌ها به آن اشاره کرده‌اند ارزش اجتماعی و فرهنگی تأهل است که در نگاه‌های اجتماعی و فرهنگی برتر از مجرد است و به نحوی موجب تشویق اطرافیان برای ازدواج مجدد آن‌ها شده است. این نگاه مثبت اجتماعی

به‌منزله یک باور ترغیب‌کننده ازدواج مجدد برای فرزندان بوده است. برای نمونه مشارکت‌کننده‌ای در این باره می‌گوید:

خوب نگاه جامعه برام مهمه. همیشه بهم می‌گفتن خوب تا کی می‌خوای مجرد بمونی. بچه‌ها نیاز به مادر دارن، خودت هم نیاز به یک همدم داری. تشویق اطرافیان برام ترغیب‌کننده‌ست. کلاً تو جمع‌های اجتماعی هم فرد متأهل رو راحت‌تر می‌پذیرن [شهرلا، ۳۵ ساله، دیپلم، خانه‌دار].

زیرمضمون دخالت خانواده‌ها، طبق نظر مشارکت‌کنندگان، شامل مفاهیم دخالت‌های خانواده خود و دخالت‌های خانواده همسر و دخالت‌های خانواده همسر قبلی است که زوجین در ازدواج مجدد خود ادراک کرده‌اند و یک مانع اجتماعی و فرهنگی در رشد و توسعه ازدواج آن‌ها بوده است. برای نمونه در مورد دخالت‌های خانواده خود می‌توان به نقل‌قول‌های زیر اشاره کرد:

خانواده‌م خیلی مخالفت می‌کردن با همسرم که بچه داشت. همیشه می‌گفتن اون بچه‌داره. در زندگی به مشکل برمی‌خوری. بچه از گوشت و پوست خودت نیست با مشکل برخورد می‌کنی [نرمین، ۳۴ ساله، لیسانس، معلم].

مشارکت‌کننده دیگر در مورد دخالت‌های خانواده همسر گفته است:

دخالت‌های خانواده ایشون باعث می‌شه زندگی مون از هم بیاشه. حرف‌های خانواده همسر رو فرزندم تأثیر می‌ذاره. اون رو کوک می‌کنن که با من بدرفتاری کنه. خیلی در این زمینه دخالت می‌کنن. انگار اون‌ها پدر مادرش هستن [شهبین، ۳۳ ساله، فوق‌لیسانس، مربی ورزش].

مشارکت‌کننده دیگر در مورد دخالت خانواده قبلی همسر در مورد فرزندان می‌گوید:

حرف‌های خانواده قبلی همسر بر روی فرزندم تأثیر بدی گذاشته. هر بار که پیش اون‌ها می‌رن کوکش می‌کنن و نسبت به همسرم بدبینش می‌کنن. این هم برای ما مشکل ایجاد کرده. واقعاً انگار این بچه چند تا پدر و مادر داره. خوب اون‌ها هنوز فرزند خودشون می‌دونن، اما نباید بدبینش کنن [شهرلا، ۳۵ ساله، دیپلم، خانه‌دار].

در مجموع، دخالت خانواده‌ها در ازدواج مجدد چالشی بزرگ برای زوجین، به‌خصوص در تربیت فرزندان، ایجاد کرده است و نوعی سردرگمی و ناتوانی در پذیرش زندگی جدید در کودکان ایجاد کرده است. این دخالت‌ها در سه بعد خانواده خود، خانواده همسر جدید و خانواده قبلی بوده که یکی از چالش‌های جدی بر سر راه ازدواج مجدد با حضور فرزندان بوده است.

در مورد این زیرمضمون تسهیل‌گری یا بازداری اجتماعی باید گفت که با زیرمضمون‌های دیگر بعد اجتماعی و فرهنگی کاملاً همگراست. به این معنا که زیرمضمون‌های قبلی ایجادکننده این زیرمضمون است. به این شکل که باورهای کارآمد اجتماعی که قبلاً به آن اشاره کردیم و عدم دخالت منفی خانواده‌ها موجب تسهیل‌گری در ازدواج مجدد است، اما باورهای

ناکارآمد اجتماعی همانند عقاید خرافی و دخالت‌های خانواده موجب بازداری از ازدواج مجدد است. محقق، با توجه به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان، به این نتیجه رسید که اغلب این افراد به ابعادی همچون: تشویق اطرافیان، دید مثبت جامعه، ازدواج به دلیل فشار اجتماعی و نگاه منفی جامعه به ازدواج با فرد بچه‌دار اشاره کرده‌اند که نشان می‌دهد وضعیت اجتماعی و فرهنگی می‌تواند یک نقش دوگانه تسهیل‌گری و بازداری را برای ازدواج مجدد داشته باشد. این زیرمضمون بیشتر به نقش بعد اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد، زیرا در زیرمضمون‌های قبلی به عقاید مثبت و منفی اجتماعی و فرهنگی در مورد ازدواج مجدد پرداخته شده بود؛ مثلاً مشارکت‌کننده‌ای در مورد تسهیل‌گری اجتماعی این‌طور گفته است:

دلگرمی‌ها و توصیه‌های خانواده‌هامون خیلی کمک کرد برای گذروندن بحران‌های اولیه. خوشبختانه تو شهر ما با دید مثبت به ازدواج مجدد نگاه می‌کنن و این امر باعث شده نگرانی در این زمینه نداشته باشیم [شیدا، ۳۷ ساله، فوق‌دیپلم، فروشنده].

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید:

با توجه به دیدگاه افراد جامعه، وجود فرزند می‌تونه عامل مهمی برای ازدواج مجدد باشه، چون اعتقاد بر اینه که خوبه و باید پدر و مادر بالای سر بچه باشن. بچه نیاز به والد داره. من هم با توجه به شرایطم مجبور به ازدواج مجدد شدم [فاطمه، ۳۴ ساله، فوق‌دیپلم، خانه‌دار].

برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان در زمینه بازداری اجتماعی می‌گوید:

درسته عرف اجتماعی غلطه. در جامعه ما برای ازدواج مجدد با یک فرد بچه‌دار، بچه رو یک مانع می‌بینن. مخصوصاً اگر بچه دختر هم باشه. همه وقتی می‌شنون طرف مقابل بچه داره، ساز مخالف می‌زنن [سارا، ۳۳ ساله، لیسانس، آرایشگر].

۴. ملزومات ازدواج مجدد

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به عواملی اشاره می‌کردند که جزء ملزومات ازدواج مجدد بوده است و آن را به‌منزله اسباب ضروری ازدواج مجدد ادراک کرده‌اند. از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر برمی‌آید که رفتارها و شرایطی وجود دارد که به‌عنوان همبسته‌های ازدواج مجدد می‌توان به آن‌ها اشاره کرد. این همبسته‌ها برای عبور کردن از چالش‌های ازدواج مجدد با حضور فرزندان بسیار مهم‌اند و نقشی مهم در رضایت از زندگی خانوادگی در این نوع ازدواج‌ها دارد. بدین دلیل، نقش ضروری و ملزومی در ازدواج‌های مجدد دارند. اغلب ابعادی که در این مورد به آن‌ها اشاره شد، عبارت بودند از: گذشت، صبر، پذیرش سختی‌ها، آمادگی قبلی، مدیریت مالی و پذیرش فرزندان. مشارکت‌کننده‌ای در این زمینه می‌گوید:

فکر نمی‌کردم این قدر سخت باشه. آدم نباید در مقابل سختی‌ها وابده و شونه خالی بکنه. سختی‌ها جزئی از زندگیه و با سختی‌های روزگار هم خم به ابروم نیاوردم [زهرا، ۲۹ ساله، فوق‌دیپلم، منشی].

مشارکت‌کننده دیگر نیز به این سختی‌ها برای خود و همسرش و نحوه پذیرش آن‌ها باگذشت و صبر اشاره می‌کند:

همسرم یک آدم سرسختیه. توی زندگی سختی زیاد کشیده و چون خودش با یتیمی بزرگ شده، حس و حال این بچه‌ها رو خوب می‌فهمه. من هم انتظار این سختی‌ها رو داشتم و دیده بودم در اطرافم وجود بچه‌چه مسائلی به وجود می‌آره. ولی تصمیم گرفتم گذشت کنم و صبر پیشه بکنم [مریم، ۳۱ ساله، فوق‌لیسانس، معلم].

همچنین، مشارکت‌کنندگان به شرایطی نیز اشاره کرده‌اند که به‌عنوان همبسته‌های لازم و ملزوم باید در ازدواج‌های مجدد حضور داشته باشند. این همبسته‌ها شامل آمادگی قبلی، مدیریت مالی و پذیرش فرزندان است. در درون‌مایه‌های قبلی به مدیریت مالی و پذیرش فرزندان اشاره شد و همراه با نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد که به دلایل اهمیت بعد اقتصادی و هزینه‌های زندگی، با وجود فرزندان، مدیریت مالی در این نوع ازدواج‌ها ضرورت به حساب می‌آید. همچنین، در مضمون مسائل فرزندان اشاره شد در صورت پذیرش فرزند ازدواج‌های مجدد با مشکلات کمتری همراه است، اما در صورت عدم پذیرش فرزندان این ازدواج‌ها با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شوند. مشارکت‌کننده دیگر در این زمینه می‌گوید:

از قبل می‌دونستم که زندگی مجدد سختی‌های خودش رو داره و پذیرش فرزند سخته. بنابراین سعی کردم خودم رو از قبل آماده کنم. حتی چند باری هم قبل از ازدواج با دخترش تنهایی بیرون رفتیم ببینیم می‌تونیم باهم کنار بیایم. حتی مشاوره هم رفتیم. این باعث شد توی زندگی کمتر با مشکلات برخورد کنم [بهاره، ۳۲ ساله، لیسانس، پرستار].

به دلیل اهمیت رفتار مناسب و درک همسر در توصیف مشارکت‌کنندگان، این زیرمضمون در بحث ملزومات ازدواج مجدد از سوی مشارکت‌کنندگان مطرح شده است که به‌عنوان یکی از ضرورت‌ها در این ازدواج‌ها برای زوجین پررنگ توصیف شده است؛ تا جایی که زوجین اشاره کرده‌اند با وجود رفتار مناسب و درک همسر خود به راحتی توانسته‌اند فرزندان طرف مقابل و سختی‌های زندگی را پذیرش بکنند. به این معنا که پذیرش فرزندان و سختی‌های ازدواج مجدد وابسته به رفتار مناسب و درک همسر است. در غیر این صورت، حل چالش‌های ازدواج مجدد برای زوجین سخت است. رفتارهایی که زوجین به آن اشاره کرده‌اند شامل همان همبسته‌هایی مانند گذشت و صبر و پذیرش می‌شود که در زیرمضمون قبلی بدان اشاره شده است. همچنین به رفتارهای مناسب دیگر، همچون مهربانی با فرزندان، احترام به شخصیت همسر، تدبیر و عقلانیت همسر، تفاهم، احترام به خانواده همسر به‌عنوان رفتارهای مناسب همچنین رفتارهایی

مانند تخریب، توهین، تحقیر، عصبانیت و شکاکیت به‌عنوان رفتارهای نامناسب اشاره شده است. بنابراین، رفتار مناسب همسر به‌عنوان ملزومات ازدواج مجدد برای روبه‌رو شدن با چالش‌های آن است. در ادامه مثال‌هایی از زبان مشارکت‌کنندگان در مورد رفتارهای ذکر شده بیان می‌شود.

اخلاق طرف مقابلم اون قدر برام ارزشمند بود که دیگه وجود بچه‌ها آزارم نمی‌داد. به نظرم وجود فرزندان از طرف ایشون نمی‌تونه این قدر مهم باشه که من رفتار خوب همسرم رو ندید بگیرم [زهرا، ۲۹ ساله، فوق‌دیپلم، منشی].

مشارکت‌کننده دیگری در این زمینه می‌گوید:

خودش اون قدر خوب و فهمیده‌ست که دلم نمی‌خواد به خاطر مسائل پیش‌پاافتاده زندگی‌م خراب بشه. درک و رفتارهای خوب همسرم تونسته به من تحمل سختی‌ها بده. رفتار همسرم با خانواده‌م بسیار خوب و با فرزندم رابطه عاطفی نزدیکی داره و در برخورد با دیگران حرمت و حدود رو رعایت می‌کنه و از این بابت باید بگم همسر خوبی نصیبم شده و از انتخابم راضی‌ام [فاطمه، ۳۴ ساله، فوق‌دیپلم، خانه‌دار].

مشارکت‌کننده‌های دیگری نیز به این رفتارهای منفی همسر اشاره کرده‌اند که موجب عدم نارضایتی و ناخشنودی در ازدواج مجدد آن‌ها شده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که متعلق به چند مشارکت‌کننده است: «خیلی جاها باعث تحقیرم شده و مرتب من رو سرزنش می‌کنه... جلوی جمع احترام نمی‌ذاره... با من مشورت نمی‌کنه... به‌تنهایی خرید می‌کنه نظر من رو نمی‌پرسه... به‌تنهایی تصمیم می‌گیره... برای جایی رفتن و یا کسی دعوت کردن اصلاً به آمادگی من برای مهمونی رفتن یا مهمونی گرفتن توجه نمی‌کنه... با فرزندم رفتار و برخورد نسنجیده‌ای داره... از رفتار سبک‌سرانه همسرم احساس شرم می‌کنم... مراقب حرف‌ها و حرکاتش نیست با همه کس شوخی‌های نابجا می‌کنه... تو نشستن و بلند شدن احترام به بزرگ‌ترها نمی‌ذاره... همیشه خانواده‌ام رو تحقیر می‌کنه و این برام معضلی شده... همیشه مجبورم به خاطر رفتار اون شرمنده اطرافیانم باشم و عذرخواهی بکنم... خیلی شکاکه، به همه کس شک داره، تلفن‌ها رو چک می‌کنه، بددله... ترجیح می‌دم بیشتر بیرون باشم به خاطر وسواس‌های بیخودش».

بحث

پژوهش‌گران مختلفی (ساندرا^۱، ۲۰۰۰؛ لانگر^۲، ۲۰۰۲، کلایمن^۳؛ ۲۰۰۵؛ گلدشتاین^۴، ۲۰۰۶؛ به نقل از پورصالح کجومثقالی، ۱۳۸۹) معتقدند که ازدواج مجدد چالش‌هایی مانند مشکلات

1. Sandera
2. Langer
3. Klaimen
4. Goldeshtein

رفتاری و مشکلات تحصیلی برای کودکان، به خصوص برای نوجوانان، دربردارد و روابط در این خانواده‌ها به سمت تعارض میان کودک و والد جدید پیش می‌رود [۶]. در پژوهش حاضر، مشخص شد یکی از چالش‌های اصلی افرادی که ازدواج مجدد کرده‌اند مشکلات حضور فرزندان است؛ تا جایی که گاهی حضور خود فرزند مانعی در برابر ازدواج مجدد می‌شود که خود را در قالب مشکلات رفتاری و تحصیلی نشان می‌دهد. این نتایج با تحقیقات داخلی [۱]؛ [۳] و خارجی [۳۵] همسوست. در بعضی پژوهش‌های دیگر، به متغیرهای جمعیت‌شناسی همانند سن، جنس و خلق‌وخوی کودک [۲۹؛ ۳۹؛ ۳۳] برای پذیرش ازدواج مجدد اشاره شده است. در این پژوهش‌ها، مشخص شده است کودکان در سن نوجوانی و پیش‌نوجوانی به دلیل نیاز به خودمختاری سخت‌تر ازدواج مجدد والدین را قبول می‌کنند، اما در سنین پایین‌تر پذیرش آسان‌تر می‌شود و هرچه خلق‌وخو و مهارت اجتماعی کودک بهتر باشد، توانایی سازگاری او با زندگی جدید بیشتر می‌شود. نتایج پژوهش حاضر در زمینه مشکلات حضور کودکان با پژوهش‌های کیفی گذشته قابل مقایسه و همخوان است. گانوگ، گولمن و جمیسون^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی کیفی مشابه با پژوهش حاضر برای بررسی ادراک فرزندان خوانده‌ها از نوالدی به این نتیجه رسیدند که کودکان والد جدید را با والد خونی خود مقایسه می‌کنند و بهترین الگو در این خانواده‌ها الگوی پذیرش و هم‌وجودی خانواده با فرزندان است [۳۰]. در پژوهش فلکر، فرام، ارنات و استول^۲ (۲۰۰۶) مشخص شده است که ادغام فرزند با والدخوانده حداقل دو سال طول می‌کشد و مضامین اصلی در ارتباط کودکان با والدخوانده خود ابهام نقش‌ها و کمبود تعلق است که به دلیل کمبود قدرت مشروع والد جدید است [۲۸]. تحقیق کیفی باختر، برایزویت، بریانت و وانگر^۳ (۲۰۰۶) در زمینه ادراک فرزندان خوانده از روابط با والدخوانده پذیرش یا عدم پذیرش کودکان از والد جدید را در سه مضمون اصلی به شکل نگهداری فاصله عاطفی در برابر نزدیکی عاطفی، نامیدن والد جدید به‌عنوان والد یا نوالد و باز یا بسته بودن در ارتباط جمع‌بندی کرده است [۲۲].

پژوهش‌های گذشته [۹؛ ۱۱؛ ۱۴؛ ۱۹] نیز به اهمیت بعد اقتصادی به‌منزله یکی از عوامل ازدواج مجدد اشاره کرده‌اند. اکثر تحقیقاتی که در موضوع خانواده‌های تک‌والدی است بر تأثیرات منفی عدم حضور پدر تأکید می‌کند و بیشتر در مورد پیامدهای منفی وضعیت نامطلوب اقتصادی بر روی کودکانی است که دور از پدرشان زندگی می‌کنند. این تحقیقات تأکید می‌کند که باید مطالعات تطبیقی در مورد تأثیر زندگی فقیرانه بر روی خانواده‌های تک‌والد و خانواده‌های دووالد انجام شود [۲۳]. زیرا تک‌والدها اغلب ناچارند دو خانواده را از نظر مالی تأمین کنند و این امر نیز می‌تواند مشکلات و کشمکش‌هایی را به بار آورد [۵، ص ۱۳].

1. Ganong, Coleman & Jamison
2. Felker, Fromme, Arnaut & Stoll
3. Baxter, Braithwaite, Bryant & Wagner

تأثیر بافت اجتماعی و فرهنگی را بر ازدواج مجدد می‌توان با توجه به نظریه کارکردگرایی^۱ اجتماعی پارسونز^۲ تبیین کرد. پارسونز ساختار اجتماعی را مبتنی بر الگوهای نهادی شده فرهنگ هنجاری می‌داند و آن را چارچوب مرجع کنش انسان تلقی می‌کند [۸، ص ۵۴]. در واقع براساس فرهنگ هنجاری جامعه، نگرشی در مورد افراد طلاق گرفته و همسرز دست‌داده یا آن‌ها که ازدواج مجدد می‌کنند در جامعه شکل می‌گیرد. همچنین فرد طلاق گرفته یا همسرز دست‌داده براساس این فرهنگ هنجاری، که همان ارزش‌های جامعه است، عمل می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد. تفاوت‌های جنسی به‌منزله امری فرهنگی در ازدواج مجدد بسیار مؤثرند. طبق شواهد موجود، مردان زودتر و بیشتر از زنان به ازدواج مجدد اقدام می‌کنند. افزون بر این، مردان از امتیاز سنی هم برخوردارند. الگوی شوهر مسن‌تر- زن جوان‌تر مقبولیت اجتماعی بیشتری نسبت به عکس آن دارد و تفاوت سنی ده ساله به نفع مردان در ازدواج مجدد کاملاً متعارف است [۲]. در این زمینه، نتایج تحقیق مطهری کلور (۱۳۹۴) نشان داده است که ازدواج مجدد امری جنسیتی است؛ به‌صورتی که زنان ایرانی ۲۵ درصد کمتر از هم‌تایان غربی خود ازدواج مجدد می‌کنند. اما مردان ایرانی ۶ درصد بیشتر از مردان غربی به این امر مبادرت می‌کنند [۱۷]. نتایج تحقیق رجبی (۱۳۹۱) نیز این تفاوت‌های جنسیتی آماری را نشان داده است [۱۰].

همسو با تحقیق حاضر که نشان داده است باورهای کارآمد اجتماعی موجب تسهیل ازدواج می‌شوند، باورهای ناکارآمد اجتماعی (خرافات) موجب بازداری از ازدواج مجدد می‌شوند. مطالعه رحیمی (۱۳۹۴) نیز نشان داده است که هرچه پذیرش اجتماعی ازدواج مجدد بیشتر باشد زنان تمایل بیشتری برای ازدواج مجدد داشته‌اند [۱۱]. نتایج تحقیق پورهاشمی خشک‌ناب (۱۳۹۳) نیز نشان داد که باورها و کلیشه‌های اجتماعی و فرهنگی منفی موجب عدم رغبت زنان به ازدواج مجدد است. باورهای کارآمد اجتماعی همانند دیدگاه‌های تسهیل‌کننده مذهبی موجب تسهیل‌گری ازدواج مجدد می‌شود [۷]. نتایج برخی مطالعات حاکی از این‌اند که زوج‌هایی که ازدواج خود را مقدس و موهبتی از جانب باری تعالی می‌بینند، ارتباطی با کیفیت را در زندگی مشترک خود تجربه و از راهبردهایی برای مدیریت تنش‌ها و مشکلات استفاده می‌کنند [۴۲]. لازاروس^۳ (۲۰۰۱) به اثرگذاری باورها در رابطه زوجی اشاره کرده است [۳۶]. نتایج تحقیقات در بعضی کشورهای آفریقایی و آسیایی (کوک^۴، ۱۹۹۸؛ یانگ ورازبالت^۵، ۲۰۰۰؛ کانگ وهانگ وچن^۶، ۲۰۰۴؛ به نقل از

-
1. Functionalist
 2. Parsones
 3. Lazarus
 4. Kowk
 5. Yang & Rosenblatt
 6. Kung, Hung&Chan

نئو^۱، ۲۰۰۶) نشان داده است که گاهی ازدواج مجدد به منزله یک انگ اجتماعی قلمداد می‌شود [۳۹]. تحقیقات کیفی گذشته، همچون تحقیق کیفی حاضر، نیز به تسهیل‌گری یا بازداری بعد اجتماعی و فرهنگی در امر ازدواج اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه پژوهش کیفی فاروگیا^۲ (۲۰۱۴) در کشور مالت بیانگر تأثیر بافت اجتماعی گسترده‌تر بر تجربه زیست زوجین بوده است [۲۷]. پژوهش کیفی نئو (۲۰۰۶) در کشور سنگاپور نیز به اهمیت حمایت گروه‌های اجتماعی و مذهبی در کاهش تصورات و قالب‌های منفی در مورد ازدواج مجدد اشاره کرده است [۳۹].

تنظیم روابط اعضای خانواده و نظارت بر رفتارهای آنان در صورتی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که روابطی گرم و صمیمانه بین والدین و فرزندان برقرار باشد، درحالی‌که خانواده‌های ناتنی از این نظر معمولاً در سطح پایین‌تری از خانواده‌های طبیعی قرار دارند [۲]. در رویکرد سیستمی خانواده‌درمانی ثبات و کارکرد مناسب خرده‌نظام زن‌وشوهری شاه‌کلید ثبات خانواده است [۱۵، ص ۲۳۲]. در تحقیق حاضر نیز، نشان داده شده است هرچه روابط زن‌وشوهری مثبت و مناسب باشد، زوجین توانسته‌اند با چالش‌های ازدواج مجدد به‌خوبی روبه‌رو شوند. در تحقیقات گذشته نیز به اهمیت روابط زوجی برای مدیریت تعارضات در ازدواج‌های مجدد پرداخته شده است [۴۱]. گولیش^۳ (۲۰۰۳) در تحقیق خود روی خانواده‌های که ازدواج مجدد داشته‌اند و هر دو والد از ازدواج قبلی دارای فرزند بوده‌اند به این نتیجه رسید که خانواده‌های قدرتمند بیشتر از گشودگی، شمولیت و رفتار اصلاحی استفاده می‌کنند، اما خانواده‌های ضعیف بیشتر از رفتارهای اجتنابی، فاصله‌گیری و پرخاشگری در روابط خود استفاده می‌کنند [۳۲]. فاروگیا (۲۰۱۴) نیز مضمون اصلی در تجربه زیسته زوجین از ازدواج مجدد را غنای روابط می‌داند [۲۷]. تحقیقات دیگر نیز نقش مثبت روابط زوجی و همبستگی آن‌ها در پذیرش فرزندان از ازدواج مجدد را مؤثر دانسته‌اند [۲۲؛ ۳۵]. در فراتحلیل تحقیقات گذشته روی رضایت زناشویی در ازدواج‌های مجدد تفاوتی میان رضایت زناشویی همسران تک‌والد و ازدواج‌مجددکرده یافت نشده است [۴۵]؛ بنابراین، براساس تحقیق حاضر زوجین در صورت داشتن همبسته‌هایی مانند پذیرش، صبر، تحمل سختی‌ها و در صورت داشتن روابط زناشویی قوی و مثبت با چالش‌های ازدواج مجدد کنار می‌آیند.

نتیجه‌گیری

سوینی^۴ (۲۰۱۰) در یک مقاله مروری بر پژوهش‌های سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بر فهم ازدواج‌های مجدد و شبه خانواده‌ها پیشنهاد داده است که تمرکز از زمینه‌های جمعیت‌شناسی در این

1. Neo
2. Farrugia
3. Golish
4. Sweeney

خانواده‌ها باید برداشته شود و به درون‌مایه‌های بنیادین در آموزش این‌گونه خانواده‌ها انتقال پیدا کند [۴۴] که مطالعات کیفی حاضر این درون‌مایه‌ها را مورد پژوهش قرار داده است. نتیجه و برون‌داد نهایی پدیدارشناسی توصیفی ارائه یک ساختار کلی از تجربه زیسته پدیده مورد نظر است. ساختار کلی تجربه پاراگرافی توصیفی است که تجربه زیسته موضوع مورد تحقیق را با رویکردی روان‌شناختی بیان می‌کند که مضمون‌ها را در یک ساختار کلی ترکیب می‌کند [۳۱]. ساختار اصلی تجربه پدیده ازدواج مجدد در مشارکت‌کنندگان این پژوهش در یک پاراگراف بدین صورت جمع‌بندی شده است:

ازدواج مجدد با حضور فرزندان دلایل متنوعی دارد؛ مانند امید به شروع مجدد زندگی خانوادگی، جست‌وجوی حمایت عاطفی برای خود و فرزندان (والدینی)، ارتقای سلامت روانی و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. با توجه به دلایل متنوع برای ازدواج مجدد، مشارکت‌کنندگان دارای فرزند در ازدواج خود نیز با چالش‌های متنوع و گوناگون در ابعاد متفاوت روبه‌رو شده‌اند. این چالش‌ها در بعد فرزندان شامل مشکلات رفتاری و ناسازگاری فرزندان، پذیرش یا عدم پذیرش آن‌ها و حضور آن‌ها به‌عنوان یک مانع در بعد اقتصادی شامل اهمیت بعد اقتصادی و مدیریت مالی، در بعد اجتماعی فرهنگی شامل باورهای کارآمد ناکارآمد اجتماعی، دخالت‌های اطرافیان و تسهیل‌گری یا بازداری اجتماعی و در بعد ملزومات ازدواج مجدد شامل همبسته‌های ازدواج مجدد و رفتار مناسب همسر است. درون‌مایه‌های این چالش‌ها و خود چالش‌ها با همدیگر رابط‌هایی متقابل و چرخشی دارند که در یک حرکت دورانی ساختار تجربه‌شده این پدیده را برای مشارکت‌کنندگان تشکیل داده‌اند. همچنین، استراتژی‌های مدیریت مالی، عدم باور به عقاید خرافی در مورد ازدواج مجدد، پذیرش ازدواج مجدد از سمت فرزندان و ملزومات ازدواج مجدد از سوی مشارکت‌کنندگان برای روبه‌رویی با این چالش‌های متنوع به کار برده شده است.

در پژوهش حاضر، مشارکت‌کنندگان با توجه به تجربه زیسته خود به چهار نوع راهکار برای روبه‌رو شدن با چالش‌های ازدواج مجدد اشاره کرده‌اند: مدیریت مالی در بحث مشکلات اقتصادی، عدم اعتقاد به باورهای خرافی و به‌کار بستن باورهای کارآمد اجتماعی در مورد چالش‌های اجتماعی و فرهنگی، پذیرش فرزندان برای روبه‌رو شدن با چالش حضور فرزندان و درنهایت به‌کار بستن همبسته‌های ازدواج مجدد و رفتار مناسب همسر برای روبه‌رو شدن با دامنه متنوع چالش‌های ازدواج مجدد.

پژوهش‌های گذشته نیز به راهکارهایی برای برخورد با چالش‌های ازدواج مجدد اشاره داشته‌اند؛ مانند نزدیکی عاطفی و باز بودن در روابط [۲۲]، مصالحه [۴۰]، پذیرش و هم‌بودی [۳۰]، حمایت اجتماعی [۳۹]، گشودگی، شمولیت و رفتار اصلاحی [۳۱]، مدیریت تعارضات و تصمیم‌گیری مشترک [۴۱] و استفاده از سبک فرزندپروری مقتدرانه [۳۷]. این استراتژی‌ها در

مقایسه با پیشنهادهای پژوهشی گذشته گسترده‌تر و مبتنی بر بافت زندگی مشارکت‌کنندگان و تجربه زیسته آن‌هاست.

این مطالعه به وسیله توصیف تجربه مشارکت‌کنندگان هدفمندی که در بافت فرهنگی استان تهران و بافت رابطه‌ای (ازدواج‌های مجدد با حضور فرزند) قرار داشته‌اند محدود شده است. بنابراین، تمرکز پژوهش حاضر بر نمونه‌ای خاص و بافتی خاص بوده است. محدودیت‌های این نمونه کاربرد تعمیم نتایج را به بافت‌های دیگر و دیگر گروه‌های قومی محدود می‌کند. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. این مطالعه مضامینی مهم برای متخصصان حوزه ازدواج و خانواده و زوجین دارد. زوجین در این گونه ازدواج‌ها باید قبل از ازدواج به آماده‌سازی فرزندان خود برای پذیرش زندگی جدید بپردازند تا بعد از ازدواج حضور فرزندان به‌عنوان یک مانع در ازدواج ادراک نشود. برای ازدواج‌های مجدد باید یک ساختار جداگانه و بومی آموزش قبل از ازدواج و غنی‌سازی ازدواج براساس چالش‌های روبه‌روی آن‌ها در زندگی زناشویی تدوین شود تا به آن‌ها برای حل بحران‌های بالقوه کمک شود. ساختار استخراج‌شده در این پژوهش همانند مشکلات پیش روی فرزندان و ملزومات ازدواج مجدد کمک‌دهنده به تشکیل این ساختار است. متخصصان حوزه ازدواج و خانواده از دید تک‌علتی و تک‌بعدی به این ازدواج‌ها خودداری کنند و با توجه به ساختار چندبعدی و چندعلتی استخراج‌شده در مورد این پدیده از این پژوهش خود را به یک نگرش سیستمی و چندبعدی در مورد این پدیده مجهز کنند. به این معنا که آن را در بافت‌های گوناگون شخصی، فرزندپروری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نگاه بکنند. یافته‌های این پژوهش همچنین الهام‌بخش زوجینی است که خواهان ارتقای روابط زوجی و خوشبختی خود در ازدواج مجدد خود هستند. چهار نوع استراتژی استخراج‌شده حل چالش در این پژوهش (مدیریت مالی، اعتقادداشتن به باورهای خرافی و به کار بستن باورهای کارآمد اجتماعی، پذیرش فرزندان و همبسته‌های ازدواج مجدد و رفتار مناسب همسر)، که از تجربه زیسته خود زوجین استخراج شده است، در امر مشاوره خانواده و غنی‌سازی ازدواج این گونه زوجین بسیار سودمند است.

منابع

- [۱] اژدری، مهدی (۱۳۸۸). «بررسی میزان ناسازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهدی که مادرانشان ازدواج مجدد نموده‌اند و مقایسه آن‌ها با دانش‌آموزان شاهدی که مادرانشان ازدواج مجدد نموده‌اند در مقطع ابتدایی شهر مشهد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- [۲] اسماعیلی، مهناز (۱۳۹۲). «مشکلات ازدواج مجدد پس از طلاق یا فوت همسر»، قزوین: روزنامه ولایت قزوین، ۸: ۱۲۳.

- [۳] انسرودی، الناز (۱۳۹۲). «بررسی علل عدم تمایل زنان مطلقه به ازدواج مجدد در کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان قدس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- [۴] بختیاری، فاطمه؛ حسینی، هاجر (۱۳۸۹). «غرب و پدیده خانواده‌های تک‌والدی»، فصل‌نامه کتاب زنان، ۲۴، ص ۳۴-۵۰.
- [۵] بستان نجفی، حسین (۱۳۹۳). *خانواده از نظر اسلام و جامعه‌شناسی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۶] پورصالح کچومثقالی، علی (۱۳۸۹). «مقایسه سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی فرزندان پسری که والدینشان ازدواج مجدد کرده‌اند با خانواده‌های عادی و تک‌والدینی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
- [۷] پورهاشمی خشک‌ناب، رضا (۱۳۹۳). «بررسی علل عدم تمایل زنان مطلقه به ازدواج مجدد تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی از ازدواج مجدد در شهرستان قدس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- [۸] توسلی، غلامعباس (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت، چ ۱۵.
- [۹] دلیلگو، سعید؛ وحید، فریدون؛ مهاجرانی، علی‌اصغر؛ اسماعیلی، رضا (۱۳۹۵). «کاهش رغبت به ازدواج مجدد مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر اصفهان»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۷، ش ۱، ص ۳۱-۵۲.
- [۱۰] رجبی، ماهرخ (۱۳۹۱) *بررسی ازدواج مجدد زنان و مردان بعد از طلاق و فوت همسر در شهر شیراز*، مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- [۱۱] رحیمی، عبدالکریم (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر گرایش به ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد استان فارس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.
- [۱۲] غلامی، معصومه (۱۳۸۸). «مقایسه کیفیت زندگی زنان ازدواج مجدد کرده و غیر ازدواج کرده شاهد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- [۱۳] قربان شیرودی، شهره؛ پورصدیقی، زینب (۱۳۹۰). «مقایسه میزان سلامت روان در میان همسران شاهدی که ازدواج مجدد کردند و همسران بر مؤلفه CBT شاهدی که ازدواج مجدد نکردند و تعیین اثربخشی درمان رفتاری-شناختی بر سلامت روان آنها»، فصل‌نامه *روان‌شناسی تربیتی*، س ۲، ش ۱، ص ۳۷-۵۱.
- [۱۴] قلی‌خانی، مریم (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر در ازدواج مجدد زنان ۲۰ تا ۴۰ ساله در کمیته امداد امام خمینی منطقه ۱۴ تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- [۱۵] گلدنبرگ، آیرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۵). *خانواده‌درمانی*، ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، تهران: روان.

- [۱۶] محمدی، آمنه (۱۳۹۵). «مقایسه سلامت روان و شیوه فرزندپروری در همسران شاهد که ازدواج مجدد داشته‌اند با همسران شاهد بدون ازدواج مجدد در استان قزوین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.
- [۱۷] مطهری کلور، مرتضی (۱۳۹۴). «بررسی موانع فرهنگی-اجتماعی ازدواج مجدد زنان مورد مطالعه زنان سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد امام (ره) شهرستان‌های خلخال و کوثر در سال ۱۳۹۴»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
- [۱۸] مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- [۱۹] ملک‌مطیعی، زهرا (۱۳۸۸). «گرایش به ازدواج مجدد زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر مشهد در سال ۱۳۸۷»، دانشگاه فردوسی مشهد.
- [20] Amato, P. R. (2014). The consequences of divorce for adults and children: An update. *Drustvena Istrazivanja*, 23(1), 5.
- [21] Anderson, E. R., & Greene, S. M. (2013). Beyond divorce: Research on children in repartnered and remarried families. *Family Court Review*, 51(1), PP 119-130.
- [22] Baxter, L. A., Braithwaite, D. O., Bryant, L., & Wagner, A. (2006). Stepchildren's perceptions of the contradictions in communication with stepparents. *Journal of social and personal relationships*, 21(4), PP 447-467.
- [23] Biblarz, T. J., & Raftery, A. E. (1999). Family structure, educational attainment, and socioeconomic success: Rethinking the "pathology of matriarchy". *American Journal of Sociology*, 105(2), PP 321-365.
- [24] Chartier, M. J., Walker, J., & Stein, M. (2001). Social phobia and potential childhood risk factors in a community sample. *Psychological Medicine*, 31(2), PP 307-315.
- [25] Colaizzi, P.F. (1978). Psychological Research as the Phenomenologist views it. In R.S. Valle & M. King (Eds.), *Existential Phenomenological Alternatives for Psychology* (pp. 48-71), New York, Oxford University Press.
- [26] Creswell, J. (2013). *Qualitative inquiry and research design: Choosing answer five approach*: Thousand Oaks, CA: Sage.
- [27] Farrugia, T. (2014). *The lived experience of couples in remarried relationships following divorce, in Malta*. University of Malta.
- [28] Felker, J. A. Fromme, D. K., Arnaut, G. L., & Stoll, B. M. (2006). A qualitative analysis of stepfamilies: The stepparent. *Journal of Divorce & Remarriage*, 38(1-2), PP 125-142.
- [29] Ganong, L. H., & Coleman, M. (2004). Gay and lesbian cohabiting couples in stepfamilies *Stepfamily Relationships* (pp. 99-107) : Springer.
- [30] Ganong, L. H., Coleman, M., & Jamison, T. (2011). Patterns of

- stepchild–stepparent relationship development. *Journal of Marriage and Family*, 73(2), PP 396-413.
- [31] Giorgi, A. (2009). *The descriptive phenomenological method in psychology: A modified Husserlian approach*: Duquesne University Press.
- [32] Golish, T. D. (2003). Stepfamily communication strengths. *Human Communication Research*, 29(1), PP 41-80.
- [33] Hetherington, E. M. (1993). An overview of the Virginia Longitudinal Study of Divorce and Remarriage with a focus on early adolescence. *Journal of Family Psychology*, 7(1), 39.
- [34] Hetherington, E. M. & Kelly, J. (2003). *For better or for worse: Divorce reconsidered*: WW Norton & Company.
- [35] Jeynes, W. H. (2006). The impact of parental remarriage on children: A meta-analysis. *Marriage & family review*, 40(4), PP 75-102.
- [36] Lazarus, A. A. (2001). *Marital myths revisited: A fresh look at two dozen mistaken beliefs about marriage*: Impact Publishers.
- [37] McLanahan, S. & Sandefur, G. (1994). *Growing Up with a Single Parent. What Hurts, What Helps*: ERIC.
- [38] Moustakas, C. (2010). *Phenomenological research methods*: Sage Publications.
- [39] NEO, I. J. N. T. L. (2006). *A Qualitative analysis of stepfamily formation in Singapore*. Thesis Submitted For The Degree Of Master In Social Sciences, Department Of Social Work National University Of Singapore.
- [40] Papernow, P. L. (1984). The stepfamily cycle: An experiential model of stepfamily development. *Family Relations*, PP 355-363.
- [41] Pasley, K. & Moorefield, B. (2004). Stepfamilies. *Handbook of contemporary families*. Thousand Oaks: Sage.
- [42] Payne, P. B. (2010). *Spiritual beliefs in early family experiences and couples' co-creation of spiritual beliefs during the early years of marriage*: The University of Arizona.
- [43] Swanson, L. B. (2004). *Phenomenology of Divorce for Young Men*. A dissertation submitted to the faculty of The University of Utah In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Department of Educational Psychology.
- [44] Sweeney, M. M. (2010). Remarriage and stepfamilies: Strategic sites for family scholarship in the 21st century. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), PP 667-684.
- [45] Vemer, E., Coleman, M., Ganong, L. H., & Cooper, H. (1989). Marital satisfaction in remarriage: A meta-analysis. *Journal of Marriage and the Family*, PP 713-725.
- [46] Weibling, J. M. (2011). Reconciling Matthew and Mark on divorce. *Trinity journal*, 22(2), 219.